پنجشنبه 20 بهمن 1401 - 08:54

همزمان با دهه فجر انقلاب اسلامی انجام شد؛

نقد و بررسی کتاب«تیغ و تاج» با حضور نویسنده اثر در کتابخانه عمومی ولایت شهرستان قرچک

نشست نقد وبررسی کتاب«تیغ و تاج» باحضور مصطفی جمشیدی نویسنده اثر و هادی خورشاهیان به عنوان منتقد اثر در کتابخانه عمومی ولایت شهرستان قرچک برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کتابخانه عمومی شهرستان قرچک؛ به میزبانی کتابخانه عمومی ولایت، نشست نقد وبررسی کتاب«تیغ و تاج» با حضور مصطفی جمشیدی نویسنده اثر، هادی خورشاهیان منتقد اثر، حجت الاسلام اسماعیلی امام جمعه شهرستان، محمود برزگر رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، آمنه بیات رئیس اداره کتابخانه های عمومی و جمعی از اعضاء و علاقمندان به کتاب و کتابخوانی در کتابخانه عمومی ولایت شهرستان قرچک برگزار شد.

هادی خورشاهیان، نویسنده و منتقد در این نشست گفت: اداره کتابخانه های قرچک و به طور کلی نهاد کتابخانه های عمومی با برگزاری جلسات نقد و بررسی کتاب اقدامی ارزشمند در خصوص ترویج فرهنگ کتابخوانی انجام داده و از این بابت تشکر می کنم.

وی با اشاره به اینکه رمان«تیغ و تاج» درباره روند زندگي جهنمي یک شکنجه گر دوران ستمشاهي است گفت: این رمان در برگیرنده یک اتفاق معنادار براي یک بازجوي مست در کمیته مشترک شهرباني و ساواک است.همچنین رویکردي واقع گرایانه به نوع زندگي ستمگران داشته و از یک و چند رویداد مستند و شبه مستند بهره مي گیرد این رمان تسلط به دوران ستم و نحوه نگرش حاکمین را در بیدادگاه ها به تصویر مي کشد.

وی افزود: مخاطب وقتی آثار مصطفی جمشیدی را می خواند از یک زاویه جدیدی می خواند وآن قالب تکراری در رمان های انقلاب کمتر را می بیند و سبکی نو در آثار ایشان مشاهده می کند.

این نویسنده و منتقد ادبی ادامه داد: من به شخصه هرچه از ایشان خوانده ام خصوصاً در حوزه رمان انقلاب، اثری متفاوت بوده است. سبک نوشتن وی شهودی است به این مفهوم که در داستان هایش آدم ها و امور متفاوت هستند، اصولاً در رمان های این نویسنده روایت ها سریع و تند است و ایشان تند تند می نویسد، دقیقاً همان گونه که در عالم واقع یک فرد فکرش از این ور به آن ور می رود، یعنی در جهانی که همه چیز سریع است و تند تند امور انجام می شود و به نحوی زمان به سرعت می گذرد بر خلاف رمان های مرسوم انقلاب، در رمان های مصطفی جمشیدی ضرباهنگ تند است و کشش در خواننده ایجاد می شود یعنی اگر خواننده، شروع به خواندن کتاب کند تا آخر می رود.

این داستان نویس عنوان کرد: نکته ای که به نحوی در آثار مصطفی جمشیدی و در اثر تیغ و تاج وجود دارد این است که مخاطب قرار نیست دنبال چیزی برود؛ یعنی گره داستانی وجود ندارد که دنبال آن باشد. وقتی خواننده این اثر را می خواند به معنای واقعی ادبیات می خواند، مقدمه چینی در آن وجود ندارد. در این اثر چیزی که شما را به جلو می کشاند همانا خود ادبیات است. نگاه هستي شناسانه در کفر و ایمان شخصیت ها از دیگر مولفه هاي این رمان است.

خورشاهیان تصریح کرد: در این اثر ادبیات موج می زند و برخی قصه های انقلاب چیز تازه ای ندارند، می توان گفت پتانسیل در خود ماجرای انقلاب به معنای روایت داستانی اش کمتر وجود دارد و برای مخاطب و به اندازه کافی داستان نوشته شده یا خوانده شده است.

وی در ادامه اظهار داشت: نویسنده کتاب نیامده است یک روایت خطی برای شما بیان کند یا یک موضوع انتخاب کند که تکراری و کلیشه ای باشد و به دنبال موارد مشابه در کتاب ها یا فیلم هایی که نمایش داده شده اند نبوده است. ایشان در این کتاب به موقعیت و اسامی اشاره نمی کند که برای مخاطب آشنا باشد بلکه در مورد موضوعی صحبت می کند که مخاطب چیزی نمی داند نه از پیشینه و نه از این که بعداً چه اتفاقی می افتد. اینجا از آن جاهایی است که می توان آن را هوشمندی شهودی نویسنده دانست.

این منقد در پایان تأکید کرد: مصطفی جمشیدی دنبال چهارچوب نوشتن نیست و بی مقدمه شروع به نوشتن می کند،آن قدر خوب و خلاقانه می نویسد و چون ذهن سیالی دارد هر سطرش برای مخاطب تازگی دارد. در تمام صفحات رمان تیغ و تاج شخصیت هایی وارد داستان یا روایت می شوند که هر کدام به تنهایی خود قابلیت تبدیل شدن به یک رمان دیگر را دارند و کسی مثل ایشان تنها می تواند آن را خلق کند.

مصطفی جمشیدی نویسنده کتاب نیز در بخش دیگری از این نشست گفت: کتاب رمان «تیغ و تاج» کوششی در بازآفرینی خشونت ساواک در دهه ۵۰ برای کنترل و سرکوب انقلابیون است. این رمان به سرنوشت یک ساواکی که با درگیری های عاطفی و روانی بسیار از همسرش جدا شده و در یک رستوران که پوششی برای جاسوسی های ساواک است مشغول به کار است می پردازد. این رستوران که خود ساواک آن را ساخته است تصویر کاملی است از رفتار سرتیم ها با زیر دستان و خط فکری اصلی این نهاد بی رحم. در پایان اما اتفاق عجیبی می افتد این رستوران در سیل شور و هیجان انقلابیون مسیر دیگری می رود.

جمشیدی در ادامه سخنانش تاکید کرد: زندگی شخصی وی، احساسات سردرگم و نحوه عمل سرتیم های ساواک با وی و همکارانش دستمایه های نویسنده در خلق این رمان است که در پایان با تهاجم انقلابیون مسلمان رستوران دچار آتش خشم انقلابیون مسلمان شده و تخریب می شود. این رمان در برگیرنده یک اتفاق معنادار برای یک بازجوی مست در کمیته مشترک شهربانی و ساواک است. «تیغ و تاج» تسلط به دوران ستم و نحوه نگرش حاکمان را در بیدادگاه ها به تصویر می کشد.

نویسنده اثر ادامه داد: شخصیت این رمان یک انسان تخریب شده است یک شی یا یک وسیله یا یک مکان همچون پل و مدرسه را اگر چندین بار تخریب شود دوباره می توان ساخت اما انسان را نمی شود و این قابلیت چندباره برای انسان وجود ندارد. در زمان پیش از انقلاب انسان تخریب شد و حکومت نیازهای عالی این انسان را پاسخ گو نبود و حتی در این رمان شخصیت شکنجه گر چه در باور، چه در عشق و چه در کار تخریب شده بود و حتی شکنجه کردن برای تسکین سردرهایش بوده است و بلایی که سر افراد می آورد حس جنایتکاری خود را پرورش می داد.

نویسنده کتاب معبر به آخرالزمان در پایان اظهار داشت: ادبیات متعهد، به ایستایی انسان فکر می کند و ادبیات شبه روشنفکری به تخریب و به تلاشی انسان فکر می کند .تعهد و اسلام خواهی و ارزش ها قهرمان های ما وادار می کند در برابر مشکلات ایستادگی کنند برخلاف جبهه مخالف که انسان را تخریب می کند از دهه ۴۰ و گرفته۵۰ تا الآن.

در ادامه حاضران در جلسه به بیان نظرات خود پیرامون این اثر پرداختند؛ نثر ساده و روان ودرجاهایی سردرگمی متن، مشخص نبودن سرانجام شخصیت های داستان و همچنین مشخص نبودن توهم و تخیل شخصیت داستان، چندگانگی شخصیت داستان، ریتم تند، تازگی سبک، و متمایز بودن اثر از نکاتی بود که از سوی حاضران اشاره شد.

گفتنی است مصطفی جمشیدی متولد ۱۳۴۰ در شمیران (قریحه ی سعادت آباد) است. او از داستان نویسان دهه ۶۰ است که دستی نیز در سایر رشته های هنری چون سینما، شعر و... دارد.کتاب های داستانی او در حوزه داستان کوتاه و رمان بیشتر حول محور مسائل اجتماعی، دفاع مقدس و حوزه آفرینش های دینی است.از رمان های وی می توان به سونات عدن، بوفاری ۴، معبر به آخرالزمان، بیداری، شنیدن آوازهای مغولی، مغات میغ، باز یافته های شهر دلتنگ اشاره کرد.رمان وقت نیایش ماهی ها کاندیدای کاتب سال بوده است. اکثر کارهای او ویژه گی های نثری متمایز را داراست.حضور وی که یکی از داستان نویسان قدیمی کشور است در سال های اخیر بیشتر معطوف به ادبیات انتظار بوده است.رمان های مغات میغ، سونات عدن، خود نوشت و بوفاری ۴ اکثراً در جوایز ادبی حضوری فعال داشته و کاندیدای دریافت جوایزی بوده است.مصطفی جمشیدی در تهران زندگی می کند و حضور در جنگ تحمیلی و تجربیات منبعص از آن در آثاری چون بوفاری ۴ و برخی دیگر از نوشته های وی مشهود است. در سال های اخیر سبک نگارش وی به سمت نوعی ویژگی های خاصی که در نثر داستان نویسی معاصر مختص به خود اوست گرایش پیدا کرده و دارای تمایزات ویژه است.